

مطالعه ابعاد جنسیتی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و بررسی میزان تحقق اهداف جنسیتی در برنامه توسعه

سمیرا کلهر

۱- مقدمه

از اوایل دهه هفتاد قرن گذشته، توجه به نقش زن در توسعه جامعه به یکی از اولویت‌های نهادهای بین‌المللی تبدیل شد. پیش از آن تصور می‌شد که نابرابری‌های جنسیتی بر اثر توسعه اقتصادی زایل و کم می‌شود، اگرچه این تصور درست بود، اما کم‌کم معلوم شد که کوشش برای رفع این نابرابری نیز می‌تواند محرک مناسب و خوبی برای توسعه و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی باشد، بنابراین رابطه متغیر شکاف جنسیتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، رابطه‌ای دوسویه است و نمی‌توان صرفاً برای توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی کرد و امید داشت که یکی از محصولات آن کاهش شکاف‌های جنسیتی باشد، بلکه برنامه‌ریزی برای کاهش این شکاف‌ها نیز به نوبه خود می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع و تقویت کند.

وابسته بودن کاهش شکاف جنسیتی نسبت به توسعه اقتصادی در عرصه‌های گوناگون موضوعی پیچیده و ناشناخته نیست زیرا هنگامی که تغییرات اجتماعی را بررسی می‌کنیم سه فرآیند اصلی و مهم در آن مشهود هستند. فرآیند اول توسعه اجتماعی - اقتصادی است که مجموعه تغییرات به هم پیوسته‌ای از جمله رشد تولید، بهبود سطح بهداشت و امید به زندگی، رفاه مادی بیشتر و ارتباطات گسترده‌تر و پیچیدگی اجتماعی بیشتری را به همراه می‌آورد. فرآیند دوم تغییرات ارزشی است که موجب گسترش تحرک اجتماعی تعامل انسان‌ها و شبکه‌های هم‌تراز (غیر اقتدارگرایانه) در جامعه می‌شود و به ظهور ارزش‌های جدیدی منجر می‌شود که آنها را ارزش‌های بیان نفس می‌توان نامید. و سومین فرآیند عمده نیز به نهادهای

سیاسی جامعه مربوط می‌شود. و بارزترین پیشرفت در این زمینه افزایش چشمگیر اعمال دموکراتیک در جوامع است (ر.ک به ولزل، ۱۳۸۲، صص ۳ و ۴).

در هر یک از مراحل توسعه و تحول مذکور حدی از تبعیض و شکاف جنسیتی ضرورتاً کم می‌شود و این شکاف به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری‌کننده برای تعیین وضعیت جامعه مورد نظر از حیث سطح توسعه و پیشرفت تبدیل می‌شود و عمیق بودن آن نیز به نوبه خود می‌تواند موجب تأخیر یا کندی حرکت و سیر تحول و پیشرفت شود.

توزیع عادلانه‌تر موقعیت‌ها و منابع میان زنان و مردان موجب رشد اقتصادی و بهره‌وری بیشتر می‌گردد. بررسی مقایسه‌ای کشورها نشان می‌دهد، کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردارند (بانک جهانی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۴-۲۷۵).

هم‌چنین هنجارهای مربوط به حقوق و نقش زنان و مردان، بخشی از نظام اخلاقی هر اجتماع را تشکیل می‌دهند و نهادهای دیگر از جمله نهادهای دولتی - را نیز در برمی‌گیرد. چنانچه تلاش‌های آگاهانه‌ای برای پرهیز از نابرابری صورت نگیرد، این هنجارها موجب گسترش نابرابری جنسیتی می‌شوند (همان، صص ۲۷۲).

بحث رفع تبعیض جنسیتی بر پایه توانمندسازی و عاملیت زنان شکل گرفته است، و در این زمینه هدف‌ها به تدریج تکامل یافتند و کانون توجه «رفاه‌گرا» بسط یافت تا نقش **عاملیت** زنان را در برگرفت و بر آن تأکید ورزید. دیگر به زن‌ها به صورت دریافت‌کنندگان منفعل کمک برای ارتقای رفاهشان نگریسته نمی‌شود، به زن‌ها به طور فزاینده‌ای توسط مردها و نیز خود زن‌ها به صورت عوامل فعال برای ایجاد تحول نگریسته می‌شود. به صورت ترویج‌کنندگان پویای دگرگونی‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند زندگی زنان و مردان هر دو را متحول سازند (سن، ۱۳۸۱، صص ۲۶۳-۲۶۲).

تحول در جایگاه زنان و نرخ مشارکت آنان به ویژه در نیروی کار کمابیش به روندی عمومی در همه کشورها تبدیل گردید، برای مثال در اتحادیه اروپا از رقم ۴۴/۷ درصد برای زنان بالای ۱۵ سال در سال ۱۹۷۳ به رقم ۶۰/۶ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است این تغییرات برای آمریکای شمالی از ۵۰/۷ به ۶۸/۷ در همان فاصله بوده است (مانوئل کاستلز، ۱۳۸۰، جلد

سوم، ص ۱۹۸). این روند در کشورهای جهان سوم نیز کمابیش مشهود است (همان، صص ۲۰۳-۲۰۲). یکی از دلایل این روند را می‌توان وجود نابرابری و تبعیض دانست. چگونه در این مورد خاص نابرابری و تبعیض موتور محرک ارتقای اجتماعی می‌شود؟ انعطاف‌پذیری بیشتر زنان و نیز دستمزد کمتر آنان در مشاغل یکسان، موجب افزایش تقاضا برای اشتغال آنان می‌شود و همین امر به نوبه خود زمینه‌ساز ارتقای جایگاه اجتماعی زنان در جامعه می‌شود.

اهمیت شکاف جنسیتی به نحوی است که نهادهای بین‌المللی رتبه‌بندی کشورها را بر مبنای شاخص‌های توسعه انسانی، برحسب جنسیت نیز تعدیل می‌کنند و کشورها را از حیث شاخص جدید با یکدیگر مقایسه می‌کنند، این شاخص همان شاخص‌های توسعه انسانی است، با این تفاوت که شاخص‌های توسعه انسانی را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها تعدیل می‌کنند. تفاوت میان مردان و زنان یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در درون ارزش کلی شاخص توسعه انسانی یک کشور است. تقریباً در همه نماگرهای اجتماعی - اقتصادی (به استثنای امید به زندگی، آن هم در سایه دلایل زیست‌شناختی عمر طولانی‌تر زنان نسبت به مردان) مردان عموماً در وضعیتی بهتر از زنان قرار دارند (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۴، ۱۳۷۴، ص ۵۰).

۲- طرح تحقیق

شیوه گردآوری اطلاعات

مطالعه حاضر از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است و منابع اصلی آن گزارش‌های رسمی دولتی بویژه گزارش‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مراکز آمار، وزارت بهداشت و درمان، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت کار و امور اجتماعی و نیز سازمان‌ها و موسسات بین‌المللی مثل بانک جهانی و یونسکو تهیه و منتشر شده است.

اهداف پژوهش

- اهداف پژوهش را می‌توان به شرح زیر برشمرد:^۱
- الف- ارزیابی تأثیر اجرای برنامه سوم توسعه بر شرایط زنان در زمینه‌های بهداشت، آموزش، اشتغال و تأمین اجتماعی. در سطح ملی و استانی.
- ب- بررسی هدف‌های جنسیتی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور و میزان تحقق آن در سطح ملی و استانی.
- ج- مقایسه شاخص‌های متداول توسعه انسانی زنان ایران با دیگر کشورهای جهان شامل کشورهای منطقه خاورمیانه، در حال توسعه و توسعه‌یافته و آرایه شاخص‌های جنسیتی جدید برای ارزشیابی سطح توسعه زنان.

ابعاد پژوهش

پژوهش حاضر در بازه زمانی ۱۳۷۸-۱۳۸۳ و در صورت وجود اطلاعات تا سال ۱۳۸۴ و در چهار زمینه بهداشت، آموزش، اشتغال و تأمین اجتماعی در سطح ملی و استانی انجام می‌شود.

۱- بررسی هدف‌های جنسیتی برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نیز در صورت وجود اطلاعات لازم جزو اهداف بود که به علت فقدان اهداف کمی از مطالعه حذف شده است، اما در مواردی که اطلاعات سال ۱۳۸۴ (سال شروع برنامه چهارم) وجود داشته، به آنها نیز اشاره شده است.

جنسیت در برنامه‌های توسعه

پس از انقلاب چهار برنامه پنج ساله توسعه تصویب شده است که اکنون (۱۳۸۶) برنامه چهارم آن در حال اجراست.

۱- برنامه اول

اولین برنامه پنج ساله توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸) معطوف به بازسازی خرابی‌ها و تأمین رشد اقتصادی بود. لذا در آن زمان مسأله جنسیت و شکاف‌های جنسیتی چندان مطرح نبود، و به همین دلیل هم هیچ نشانی از زنان و توجه به موضوع آنان در قانون برنامه مشاهده نمی‌شود. البته در مجموعه کتاب‌ها و اسناد برنامه اول توسعه به مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن اشاره شده است. هم‌چنین به کنترل جمعیت و کاهش باروری زنان و بهبود پوشش تحصیلی دختران و اعتلای موقعیت زنان از طریق آموزش و مشارکت در امور اقتصادی اشاره شده است.

۲- برنامه دوم

در قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) دو بار به زنان اشاره شده است یک بار ذیل تبصره ۱۲ که مربوط به تخصیص اعتبار برای بهبود تأمین اجتماعی جامعه از طریق پرداخت مستقیم به اقشار کم‌درآمد است که در آنجا زنان و کودکان بی‌سرپرست از جمله مصدق اقشار کم‌درآمد محسوب شده‌اند.

هم‌چنین تبصره ۶۵، دولت را مکلف نموده تا نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان با توجه به حفظ شئون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید.

در اسناد ضمیمه قانون برنامه نیز به ضرورت گسترش تأمین اجتماعی از جمله کودکان و زنان بی‌سرپرست هم‌چنین به لزوم مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی اشاره شده است.

۳- برنامه سوم

شروع توجه به مسأله جنسیت و زنان از برنامه سوم است. بویژه هنگامی که یک ماده مشخص (ماده ۱۵۸) به مسأله زنان اختصاص یافته است. در ماده ۱۵۸ گفته شده: مرکز امور زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط انجام اقداماتی شامل: شناسایی نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان، ارائه طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان، تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان و حمایت از تشکیل سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌باشد.

هم‌چنین آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم هیأت وزیران (مورخ ۱۳۷۹/۹/۲) در ماده ۴ به تصویب رسید. در ماده ۱ مرکز مشارکت زنان موظف است به منظور ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و نهاد خانواده و اقداماتی شامل: کوشش در تعریف نقش و جایگاه زنان در خانواده، سازماندهی طرح‌های مطالعاتی در خصوص مسایل و نیازهای زنان، شناسایی نیازهای آموزشی و دینی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان، شناسایی نیازهای اساسی اشتغال زنان، ارائه طرح‌های لازم جهت تسهیل و اصلاح امور حقوقی و قضایی زنان، تمهیدات لازم جهت تشکیل توسعه سازمان‌های غیر دولتی زنان، بررسی زمینه‌های لازم فعالیت اقتصادی زنان را انجام دهد.

در موارد ۲ و ۳ و ۴ آیین‌نامه فوق مرکز مشارکت و امور زنان موظف به پیگیری امور فوق، ارائه گزارش عملکرد سالیانه و تعیین شاخص‌های مربوط به وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف و گزارش سالیانه تحولات این شاخص‌ها می‌باشد.

۴- برنامه چهارم

در برنامه چهار ساله چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) بیش از ده بار به کلمه زنان اشاره شده است. در ذیل بند «د» ماده ۳۰ این قانون دولت موظف است برای اقشار کم‌درآمد از جمله زنان سرپرست خانوار به سازندگان واحدهای مسکونی یارانه پرداخت کند. در ذیل ماده ۵۴ این قانون به پرداخت هزینه آموزش ضمن خدمت کارکنان بخصوص زنان تأکید شده است. ماده ۷۱ قانون برنامه سوم درباره زنان عیناً در برنامه چهارم تکرار شده است. در ذیل ماده ۹۷ قانون به افزایش مستمری ماهانه خانوارهای نیازمند و زنان بی‌سرپرست تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی اشاره شده است و در ماده ۱۰۲ به توانمندسازی زنان در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی از تکالیف دولت دانسته شده است و بالاخره ماده ۱۱۱ به افزایش مشارکت زنان اختصاص دارد.



همان‌طور که ملاحظه می‌شود با گذشت زمان از برنامه اول به برنامه چهارم، حساسیت نویسندگان برنامه که طبعاً انعکاسی از حساسیت‌های جامعه و ضرورت‌های اجتماعی بوده نسبت به مسأله زنان افزایش یافته است.

یافته‌های پژوهش - نتایج ملی

۱- شاخص توسعه انسانی

قبل از ورود به اجزای پژوهش لازم است تحول شاخص کلی توسعه انسانی طی برنامه سوم بررسی شود. این شاخص که ترکیبی از شاخص تولید ناخالص داخلی، شاخص آموزشی و شاخص امید به زندگی است از رقم ۰/۷۲۳ در سال ۱۳۷۸ (سال قبل از شروع برنامه) به رقم ۰/۷۷۰ در سال ۱۳۸۳ رسیده است. طی سال‌های برنامه شاخص توسعه انسانی در ایران حدود ۶/۵ درصد افزایش یافته است. اما در اجزای این شاخص تفاوت‌هایی مشهود است. شاخص امید به زندگی در طول برنامه از ۰/۷۶۰ به ۰/۷۴۲ کاهش داشته اما شاخص آموزش طی چهار سال اول برنامه ۱۱/۶ درصد افزایش و از ۰/۷۳۹ به ۰/۸۲۵ رسیده لذا از حیث سطح آموزشی جامعه را در سطح کشورهای با سطح آموزشی بالا قرار می‌دهد. شاخص بهداشت (امید به زندگی) در طول برنامه با کاهش هم مواجه شده است.

روند شاخص توسعه انسانی و اجزای آن در ایران در طول برنامه سوم

شاخص توسعه انسانی	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزش	شاخص تولید ناخالص داخلی	سال
۰/۷۲۳	۰/۷۶۰	۰/۷۳۹	۰/۶۷۱	۱۳۷۸
۰/۷۲۵	۰/۷۶۷	۰/۷۲۹	۰/۶۸۰	۱۳۷۹
۰/۷۲۹	۰/۷۳۰	۰/۷۷۰	۰/۶۸۷	۱۳۸۰
۰/۷۴۱	۰/۷۳۵	۰/۸۲۰	۰/۶۹۷	۱۳۸۱
۰/۷۶۱	۰/۷۳۸	۰/۸۲۵	۰/۷۲۰	۱۳۸۲
۰/۷۷۰	۰/۷۴۲	۰/۷۴۷	۰/۷۲۲	۱۳۸۳

منبع: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۴، جلد اول.

شاخص مهم دیگر، شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته برحسب جنسیت (GDI) و شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت (GEM) است که در هر دو شاخص بهبودی مشهودی در ایران رخ داده یا حداقل می‌توان گفت شکاف جنسیتی کمتر شده است. در مورد GDI رتبه

ایران در مقایسه با سایر کشورها از ۸۱ پیش از برنامه به رتبه ۷۴ در سال ۱۳۸۳ رسیده است. GEM از رتبه ۸۸ به رتبه ۷۱ ارتقا یافته است.

۲- شاخص‌های سلامت و بهداشت

وضعیت سلامتی و بهداشت مهم‌ترین تأثیر خود را بر امید به زندگی در بدو تولد می‌گذارد. طبق محاسبه سازمان مدیریت طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ امید به زندگی از ۶۹/۵ سال به ۷۱/۴ افزایش یافته است ولی شکاف طول عمر برحسب جنسیت اندکی به نفع زنان است. تفاوت طول عمر زنان و مردان از ۴/۵ سال اول برنامه به ۴/۷ سال در انتهای برنامه می‌رسد.

اما انتظار برنامه سوم این بوده که طی ۵ سال امید به زندگی برای مردان و زنان حدوداً ۱/۶ افزایش یابد اما عملاً کمتر از این مقدار رخ داده است. یعنی پیش‌بینی امید زندگی برای سال ۱۳۸۳، ۷۱/۶ سال بوده اما عملکرد ۶۹/۳ سال را نشان می‌دهد. از آنجا که سگته قلبی و مغزی اولین و حوادث رانندگی دومین علت مرگ و میر در ایران است به نظر می‌رسد رشد شهرنشینی و آلودگی هوا مانع افزایش امید به زندگی در ایران شده باشد.

میزان خام مرگ و میر در هزار نفر نیز مطابق پیش‌بینی‌های برنامه حدود ۶ در هزار نفر ثابت مانده است. البته در سال ۱۳۸۲ حدود ده درصد به دلیل زلزله بم به این میزان افزوده شد. میزان خام موالید نیز در حدود ۲۰ نوزاد در هر هزار نفر جمعیت تقریباً ثابت مانده اما تفاوت اندکی که در کاهش موالید رخ می‌دهد موجب کاهش رشد جمعیت در پایان برنامه سوم نسبت به پیش‌بینی برنامه بوده است.

طی برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۸۳) جمعیت کل کشور کمتر از میزان پیش‌بینی شده رشد نشان می‌دهد که این امر از یک سو معلول رشد منفی مهاجرت به دلیل بازگشت پناهندگان افغانی به کشورشان و از سوی دیگر شدت روند نزولی باروری زنان است که بیش از مقادیر پیش‌بینی شده در برنامه سوم بوده است. در نتیجه تقریباً شاخص‌های مهم

جمعیتی از قبیل نسبت جنسی، میانه سنی، میانگین سنی، ضریب جوانی و بار تکفل مطابق یا حتی بهتر از برنامه محقق شده است.

۳- شاخص‌های آموزشی

باسوادی زنان کشور در ۵ سال اجرای برنامه سالانه یک درصد بیشتر شده و در مجموع از ۷۵/۶ درصد به ۸۰/۳ درصد رسیده است. این افزایش هم در شهر و هم روستا رخ داده با این تفاوت که افزایش در روستا بیشتر است. شاخص شکاف جنسیتی نشان می‌دهد که افزایش سطح باسوادی برای زنان بیش از مردان رخ داده و نابرابری جنسیتی کمتر شده است. درصد باسوادی در پایان برنامه سوم میان زنان حدوداً ۹۰/۳ درصد این رقم نزد مردان است. این نسبت در شهرها ۹۲/۶ و در روستاها ۸۵/۴ درصد است.

تعداد دانش‌آموزان در مقطع آمادگی طی برنامه تعدادشان تقریباً دو برابر شده است اما در بقیه سطوح تعداد دانش‌آموزان کمتر شده است و این کاهش در سطوح ابتدایی بیشتر و در سطوح بالاتر کمتر است علت این پدیده کاهش رشد جمعیت از حدود دهه قبل و کمتر شدن دختران و پسران نیازمند تحصیل است.

اما نکته مهم این است که کاهش تعداد دانش‌آموزان در همه سطوح برای دختران کمتر بوده که این به معنای کمتر شدن شکاف جنسیتی دو جنس از حیث ویژگی‌های آموزش عمومی است.

بیشترین تفاوت میان دو جنس در مقطع راهنمایی است که در ابتدای برنامه تعداد پسران حدوداً ۱۷ درصد بیش از دختران بوده اما در پایان برنامه این رقم به ۱۲ درصد رسیده است. هم‌چنین در ابتدای برنامه تعداد پسران و دختران مشغول تحصیل در مقطع متوسطه عمومی تقریباً متناسب با جمعیت آنها در جامعه بوده اما در پایان برنامه دختران از این حیث تا حدی از پسران جلوتر بوده‌اند. ریزش دختران در مقطع راهنمایی به دلایل فرهنگی و ازدواج است اما ریزش پسران به دلایل اقتصادی رخ می‌دهد.

نرخ ثبت‌نام در مقطع ابتدایی کاهش یافته و تصور می‌رود که علت این امر کاهش مردودی‌های دوره ابتدایی است، در مقابل نرخ ثبت‌نام مقطع راهنمایی افزایش یافته و این امر برای دختران چشمگیرتر است. و با توجه به روند کلی، بخش مهمی از آن ناشی از افزایش دانش‌آموزان ثبت‌نامی است. در مقطع متوسطه میزان ثبت‌نام پسران با ریزش زیادی مواجه است. به طوری که در سال پایانی بیش از ۶۳ درصد کل دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی را دختران تشکیل داده‌اند.

مقایسه اهداف و عملکرد برنامه سوم در زمینه شاخص‌های کلیدی (اهداف کمی)

بخش آموزش و پرورش عمومی در پایان برنامه ۱۳۸۳

عنوان شاخص	هدف برنامه	عملکرد	درصد تحقق
تعداد دانش‌آموز ابتدایی (هزار نفر)	۶۴۸۸	۶۲۰۷	۹۵/۷
تعداد دانش‌آموز راهنمایی (هزار نفر)	۴۵۰۵	۴۴۱۰	۹۷/۹
تعداد دانش‌آموز متوسطه و پیش‌دانشگاهی (هزار نفر)	۴۴۰۳	۳۷۶۳	۸۵/۵
درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر	۸۸/۱	۸۵/۰	۹۶/۵

منبع: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳، جلد دوم، ص ۱۱۶۷ به بعد.

در مجموع اهداف برنامه سوم در زمینه شاخص‌های فوق تحقق نیافته و عملکرد با پیش‌بینی فاصله داشته است. میزان تحقق اهداف فوق از ۸۵/۵ درصد تا ۹۷/۹ درصد متغیر است و برای هر دو جنس نیز اهداف مذکور به تناسب محقق نشده است. در ارتباط با شاخص فارغ‌التحصیلان کفه ترازوی آموزش به نفع دختران سنگینی می‌کند. در مقطع ابتدایی و راهنمایی قبول‌شدگان پسر اندکی بیش از دختران هستند. اگر نسبت جنسی میان آنها را منظور کنیم (۱/۰۴) پسران حدوداً ۲ درصد بیشتر از دختران قبولی داشته‌اند. اما این امر به دلیل تعداد بیشتر دانش‌آموزان پسر است در حالی که درصد قبولی نزد دختران بیشتر است. درصد قبولی دانش‌آموزان پنج پایه ابتدایی در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳ در کل کشور برای پسران ۹۶/۷ درصد و برای دختران ۹۸ درصد است در مقطع راهنمایی این شکاف بیشتر می‌شود در سال مذکور در کل کشور قبولی دانش‌آموزان پسر در سه پایه راهنمایی ۸۹/۰ درصد بوده اما این رقم برای دختران ۹۵/۷ درصد است که تفاوت چشمگیری است. هم‌چنین در

طول برنامه تفاوت دیگری میان دو جنس رخ داده که معرف تحول کیفی آموزش برحسب جنسیت است به عنوان مثال تحصیل در رشته ریاضی - فیزیک معرف نوعی برتری کیفی است که در پنج سال برنامه شکاف جنسیتی در این زمینه کمتر شده است.

تحصیلات عالی به عنوان یکی از راه‌های ارتقای منزلت اجتماعی و رسیدن به مشاغل مناسب همیشه مورد توجه بوده است. روند افزایش شرکت دختران در کنکور سراسری از سال‌های گذشته آغاز و در سال ۱۳۷۷ به برتری عددی بر تعداد پسران شرکت‌کننده منجر شد اما این برتری فقط در تعداد نیست زیرا دختران شرکت‌کننده در کنکور (سال ۱۳۷۸) ۵۳/۹ درصد کل و ۵۵/۷ درصد قبول‌شدگان مرحله اول (مجاز به انتخاب رشته) و ۵۷/۲ درصد قبول‌شدگان نهایی را تشکیل می‌دهند که معرف کیفیت برتر دختران شرکت‌کننده در مقایسه با پسران بوده است. با وجودی که مطالعات نشان داده است که ساختار حاکم بر کنکور مسابقه‌ای به نفع مردان است. (کلهر، ۱۳۷۴)

از جهت دیگر هم در حالی که در سال ۱۳۷۸ فقط ۳۲/۷ درصد داوطلبان رشته ریاضی و فنی را دختران تشکیل می‌داده‌اند، اما قبولی‌های این رشته از میان دختران به ۳۸/۵ درصد افزایش یافته‌اند.

نسبت پذیرفته شدگان دختر دانشگاه‌های دولتی در انتهای برنامه ۵ ساله افزایش چشمگیری داشته است. به طوری که نسبت پذیرفته‌شدگان دختر از ۴۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۵۳/۶ درصد رسیده است. اما نباید فراموش کرد که پسران کماکان در سطوح پیشرفته‌تر و کیفی‌تر دانشگاه‌ها اکثریت دارند اما در این زمینه دختران نیز در طول برنامه پیشرفت داشته‌اند.

۴- شاخص‌های اشتغال

آمارهای موجود وضعیت امیدوارکننده‌ای را در خصوص زنان نشان نمی‌دهد. از یک سو میزان فعالیت زنان طی برنامه پنج ساله تغییری (۱۱/۸ درصد) نکرده است هم‌چنین درصد بیکاری و اشتغال هر دو جنس در ابتدای برنامه تقریباً یکسان بوده اما در پایان برنامه میزان

اشتغال مردان افزایش و برای زنان کاهش یافته است. بیکاری مردان از ۱۳/۵ درصد به ۹/۲ درصد اما بیکاری زنان از ۱۳/۶ درصد به ۱۷/۱ درصد و نشان‌دهنده افزایش است. بنابراین می‌توان گفت که شاخص‌های جنسیتی در زمینه اشتغال و بیکاری طی برنامه پنج ساله برای زنان بدتر شده است. نسبت فعالیت زنان به مردان از رقم ۰/۱۹ به ۰/۱۸ رسیده است و نسبت بیکاران زن به مرد نیز از رقم ۱/۰۱ به ۱/۸۶ افزایش یافته است که نشان‌دهنده وجود شکاف عمیق جنسیتی در عرصه اشتغال و نیز عمیق‌تر شدن آن طی برنامه پنجساله سوم توسعه است. در ساختار شغلی نیز تغییراتی را برحسب جنسیت شاهد هستیم. در طی برنامه پنجساله سوم از سهم زنان در اشتغال بخش خصوصی ۳/۲ درصد کاسته شده و به بخش عمومی اضافه شده است. نکته مهم اینکه علی‌رغم پایین بودن سطح اشتغال زنان باز هم حدود یک سوم شاغلان آنها کماکان کارکن فامیلی بدون مزد هستند که در نهایت پولی بصورت مستقیم به دست آنها نمی‌آید و این شاخص در طول برنامه نیز تغییر ملموسی نکرده است. در مجموع می‌توان گفت که تحولات اشتغال برحسب جنسیت نه تنها به نحو مناسبی در طول برنامه به نفع زنان نبوده است، تا همپای تحولات آموزشی و بهداشتی پیش رود، بلکه در مواردی هم عقب‌گردهایی در جهت تشدید شکاف جنسیتی مشهود است.

۵- شاخص‌های تأمین اجتماعی

براساس اطلاعات موجود در طول برنامه پنجساله بر تعداد بیمه‌شدگان مرد تأمین اجتماعی ۱۹ درصد اضافه شده اما این رشد برای زنان بیمه‌شده بیش از ۳۷ درصد بوده است. بیشترین رشد در بیمه‌های اجباری است که نشان‌دهنده بهبود ساختار شغلی زنان از حیث تحت پوشش بیمه قرار گرفتن در جامعه است. هم‌چنین رشد ۳ درصدی بیمه‌های اختیاری نزد زنان حکایت از حساسیت بیشتر آنان به تحت پوشش بیمه بودن خود دارد. اما در نهایت زنان شاغل در مقایسه با مردان هنوز از وضعیت بیمه‌ای یکسانی برخوردار نیستند.

مقایسه بین‌المللی

مقایسه بین‌المللی میان شاخص‌های جنسیتی در ایران فقط با تعداد معدودی از کشورها صورت گرفته است. این کشورها در سطوح مختلف توسعه هستند و به لحاظ برخی ویژگی‌ها مثل جمعیت یا منابع درآمدهای نفتی با ایران اشتراکاتی دارند. از میان کشورهای اروپایی اسپانیا و لهستان از کشورهای آمریکایی مکزیک، برزیل و ونزوئلا از کشورهای خاور دور کره جنوبی و مالزی و از کشورهای همسایه و منطقه کشورهای پاکستان، ترکیه، عربستان، سوریه و مصر و از کشورهای آفریقایی الجزایر و نیجریه انتخاب شده‌اند که هر کدام کمابیش شباهت‌هایی با ایران دارند. آمار و ارقام این مقایسه نیز از گزارش توسعه انسانی سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶ (UNDP) و آخرین گزارش ILO (سازمان بین‌المللی کار) و UNESCO استخراج شده است.

۱- شاخص توسعه انسانی

طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ حدود ۰/۰۳۷ یا ۵/۲ درصد به شاخص توسعه انسانی ایران اضافه شده است. گرچه این رشد از ارقام مشابه برای ترکیه و عربستان و پاکستان بیشتر است اما در مقایسه با سوریه و مصر و دیگر کشورهای منتخبی که در سطح بالاتری از توسعه ایران قرار دارند کمتر است.

در مورد شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته برحسب جنسیت این شاخص در سال ۲۰۰۴ برابر ۰/۷۳۶ بوده که ۰/۰۱۰ کمتر از شاخص توسعه انسانی در همان سال است. این تفاوت در سال ۱۹۹۸، ۰/۰۱۸ بوده که نشان‌دهنده بهبود بیشتر وضعیت زنان در مقایسه با مردان در ایران است اما در مجموع تفاوت مذکور در ایران در مقایسه با کشورهای منطقه و اسلامی کمتر است.

میزان شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت (GEM) در ایران در سال ۲۰۰۴ حدود ۴۳/۷ درصد شاخص توسعه انسانی در همین سال بوده در حالی که این نسبت برای کشورهای

اروپایی ۷۰ درصد و آمریکای لاتین و مکزیک هم بالای ۶۰ درصد است. نسبت مذکور در ایران از کشورهای آسیای جنوب شرقی و نیز پاکستان هم پایین‌تر است اما در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه و اسلامی در وضعیت بهتری قرار دارد.

۲- شاخص‌های سلامت و بهداشت

مهم‌ترین شاخص سلامت و بهداشت امید به زندگی است که میزان آن برای زنان ایران حتی در مقایسه با کشورهای هم‌تراز خود اندکی کمتر است. در اکثر کشورهای منتخب فاصله امید به زندگی زنان و مردان ۵ تا ۱۲ درصد است در حالی که در ایران ۴/۵ درصد است. شاخص‌های بهداشتی دیگر مثل مرگ و میر نوزادان زیر یک سال و کودکان زیر پنج سال نشان می‌دهد که ایران در ردیف ترکیه و سوریه و عربستان قرار دارد اما در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا شاخص سلامت مذکور در ایران وضعیت مناسبی ندارد. شاخص دیگر مرتبط با سلامت تعداد زایمان‌های یک زن است که در طی سه دهه مقدار آن در ایران به یک سوم رسیده است. این کاهش در ایران و نیز کره جنوبی بیش از دیگر کشورهای منتخب است به نحوی که ایران را از لحاظ این شاخص در مرز کشورهای توسعه‌یافته قرار داده است.

۳- شاخص‌های آموزشی

میزان بیسوادی نزد زنان ایرانی در مقایسه با آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی نسبتاً بالاست. در مقایسه با کشورهای منطقه و اسلامی بجز ترکیه در وضعیت بهتری قرار دارد. بهبود تحول شاخص سواد در اکثر کشورهای مورد بررسی بهتر از ایران بوده اما شکاف جنسیتی از نظر سواد در ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی کمتر است. در مورد نرخ ثبت‌نام در مقطع ابتدایی همه کشورهای مورد بررسی (بجز عربستان) از ایران وضع بهتری دارند. اما نکته مهم اینکه شکاف جنسیتی در ایران وجود ندارد در حالی که در کشورهای منطقه و اسلامی این شکاف ملموس است.

نرخ ثبت‌نام در مقطع دبیرستان برای دختران در ایران در مقایسه با سایر کشورهای منتخب در حد نسبتاً مطلوبی قرار دارد. اما در این مورد نیز تحولات مورد بررسی در ایران چشمگیرتر از تحولات مشابه در کشورهای منتخب نیست.

نرخ ثبت‌نام در آموزش عالی در ایران با کشورهای پیشرفته فاصله زیادی دارد اما روند آن افزایشی و به نفع دختران بوده است و این روند در کلیه کشورهای مورد بررسی مشاهده می‌شود. ایران از حیث این شاخص و روند تحول آن در وضعیت میانه قرار دارد.

۴- شاخص‌های اشتغال

شاخص‌های اشتغال و بیکاری در مقایسه با آموزش و بهداشت در کشورهای مختلف کمتر ارایه شده است و در نتیجه امکان مقایسه در این زمینه کمتر است. با وجود این مشاهده می‌شود که طی دوره بررسی شاخص درصد فعالیت زنان در سطح جهان و حتی کشورهای در حال توسعه تا حدی کاهش یافته اما در ایران بهبود یافته است.

۵- تأمین اجتماعی

شاخص‌های تأمین اجتماعی حتی در سطح ملی نیز از اعتبار و دقت کافی برخوردار نیست، در نتیجه در سطح بین‌المللی نیز گذشت زمان لازم است که این شاخص‌ها به صورت سری زمانی و منظم و با اعتبار کافی در اختیار قرار گیرد. در ذیل مفهوم فوق تنها شاخص در دسترس نسبت درآمد زنان به مردان بوده است. شکاف درآمدی به نحو ملموسی با سطح توسعه جامعه و نیز ویژگی‌های فرهنگی مربوط است. عربستان و مصر کمترین نسبت درآمدی زنان به مردان را دارا هستند و لهستان و برزیل بیشترین نسبت‌ها را دارند، ایران نیز در میانه این دو حد و تا حدودی بهتر از کشورهای اسلامی و منطقه قرار دارد.

مقایسه استانی

مقایسه استان‌ها برحسب شاخص Cv یا ضریب پراکندگی انجام گرفته است. اگر Cv در مورد یک شاخص کمتر شده باشد به معنای آن است که تفاوت میان استان‌ها از حیث آن شاخص کمتر شده است و برعکس.

۱- شاخص توسعه انسانی

ضریب پراکندگی Cv برای شاخص توسعه انسانی (HDI) برحسب جنسیت (۹/۳) تا حدی کمتر از ضریب تعدیل شده آن برحسب جنسیت (GDI) است (۱۱/۳). به عبارت دیگر تفاوت میان استان‌ها برحسب شاخص اخیر بیشتر است و نابرابری جنسیتی بیش از نابرابری توسعه‌ای است.

مقایسه شاخص HDI برای سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که از یک سو مقدار این شاخص در این فاصله افزایش یافته و از سوی دیگر تفاوت میان استان‌ها شدیداً کاهش یافته است. شاخص GDI برای سال ۱۳۸۳ به طور رسمی محاسبه نشده است لذا اظهارنظری درباره تغییر و تحول آن نمی‌توان داشت.

مقایسه سه مولفه HDI یعنی امید به زندگی، شاخص آموزشی و شاخص درآمدی در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که تفاوت استان‌ها برحسب امید به زندگی کمتر از تفاوت آنها برحسب شاخص آموزشی بوده و تفاوت برحسب شاخص درآمدی نسبتاً زیاد بوده است. اما در سال ۱۳۸۳، از یک سو هر سه مولفه در میان استان‌ها با تفاوت‌های کمتری مواجه‌اند، اما تفاوت میان استان‌ها برحسب شاخص آموزشی از این تفاوت در زمینه امید به زندگی کمتر شده و برابری شاخص آموزشی میان استان‌ها مشهودتر شده است. این امر نشان می‌دهد که در این فاصله بر ارایه خدمات و سیاست‌های بهداشتی برای تعدیل تفاوت‌های منطقه‌ای توجه کمتری از این خدمات و سیاست‌ها در عرصه آموزش شده است.

۲- شاخص‌های سلامت و بهداشت

اصلی‌ترین شاخص سلامت و بهداشت امید به زندگی است. نتایج استانی نشان می‌دهد متوسط این شاخص طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ حدود یک سال افزایش یافته است اما پراکندگی آن کاهش چشمگیری داشته است. یعنی استان‌هایی که امید به زندگی آنها کمتر بوده افزایش بیشتری داشته‌اند لذا شکاف میان استان‌ها از حیث این شاخص کمتر شده است. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش وضع بهداشت زنان، باروری است که بجای این شاخص می‌توان از بعد خانوار نیز استفاده کرد. طبق سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ حدود یک نفر از بعد خانوار کم شده که رقم بسیار قابل توجهی است. یعنی میانگین بعد خانوار از ۵/۰۵ به ۴/۱۹ رسیده است.

۳- شاخص‌های آموزشی

میزان باسوادی برای زنان برحسب استان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ به نحو چشمگیری افزایش یافته است. اما مهمتر اینکه میزان پراکندگی از رقم ۱۵/۸ در سال ۱۳۷۵ به ۷/۲ در سال ۱۳۸۳ یعنی به نصف رسیده است. فاصله بین مردان و زنان از حیث باسوادی از رقم ۱/۲۷ افزایش در سال ۱۳۷۵ به ۱/۱۲ در سال ۱۳۸۳ رسیده است. میزان پراکندگی نیز به کمتر از نصف رسیده است. به این معنی که استان‌هایی که تفاوت میزان بی‌سواد یا باسوادی زنان و مردان زیادتر بوده، طی این فاصله زمانی کاهش بیشتری در این تفاوت مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر زنان در این استان‌ها جهش بیشتری از حیث باسوادی در مقایسه با استان‌های دیگر داشته‌اند.

ضریب پراکندگی استان‌ها از نظر تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر در هر هزار نفر جمعیت طی سال‌های برنامه افزایش یافته است که دلیل اصلی آن تفاوت رشد جمعیت استان‌های کشور است.

نکته مهم کاهش چشمگیر پراکندگی (Cv) نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر طی فاصله زمانی برنامه است که نشان‌دهنده نزدیک شدن ارقام این شاخص در استان‌های مختلف و کم شدن فاصله و نابرابری میان استان‌ها است.

روند کاهش تعداد دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در هر دو جنس طی سال‌های برنامه مشابه این روند در مقطع ابتدایی است، اما شدت کاهش آن کمتر است. دو دلیل برای این رویداد وجود دارد. یکی اینکه آثار کاهش رشد جمعیت در این مقطع سنی به شدت مقطع ابتدایی تأثیر نداشته است و دلیل دیگر هم گسترش آموزش در مقطع راهنمایی در استان‌هاست که در نتیجه می‌توان گفت که شاخص مذکور برای پسران در مقطع زمانی بررسی ۲۵/۲ درصد (از ۴۸/۵ به ۳۶/۳) و برای دختران فقط ۲۰/۹ (از ۳۹/۳ به ۳۱/۱) کمتر شده است. این امر مبین آن است که فاصله میان دختران و پسران در مقطع راهنمایی طی سال‌های برنامه سوم کم و نزدیک به هم شده است.

روند کاهشی در تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه نسبت به ابتدای قابل توجه است و باز هم این کاهش برای پسران (۲۱/۰ درصد) بیش از دختران (۱۶/۷ درصد) است. اما نکته مهم بیشتر بودن پراکندگی ارقام این شاخص (ضریب Cv) نسبت به مقطع ابتدایی و راهنمایی است که نشان‌دهنده بیشتر بودن تفاوت‌های این شاخص در استان‌های مختلف است.

تعداد داوطلبان زن کنکور سراسری از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ تقریباً ثابت بوده اما برای مردان سیر نزولی داشته است. این تفاوت در سطح پذیرفته‌شدگان بارزتر است. تفاوت‌های این شاخص برحسب استان‌ها تغییر چندانی نکرده و ضریب پراکندگی تقریباً در یک روال است و نشان می‌دهد که تحول مذکور در استان‌ها به نسبت مشابه بوده است.

۴- اشتغال

متوسط میزان فعالیت زنان برحسب استان طی سال‌های برنامه اندکی افزایش نشان می‌دهد اما نسبت فعالیت زنان به مردان تغییری نداشته است. این امر به معنای آن است که مردان و زنان در این فاصله به نسبت یکسانی افزایش فعالیت داشته‌اند. از سوی دیگر پراکندگی میزان

فعالیت زنان و نیز نسبت فعالیت زنان در هر دو مورد با حدود ۱۰ درصد افزایش پراکندگی مواجه شده‌اند، به عبارت دیگر عدم توازن میان استان‌ها از حیث این شاخص‌ها بیشتر شده است.

متوسط شاخص بیکاری برحسب استان‌ها در طول برنامه اندکی کمتر شده است، اما در پایان برنامه متوسط بیکاری زنان حدوداً ۹۰ درصد بیش از مردان است. به عبارت دیگر کاهش رقم بیکاری در طول برنامه بیشتر شامل حال مردان شده است. بدون اینکه بیکاری جدید زنان ناشی از افزایش نرخ فعالیت آنان باشد. نکته دیگر اینکه پراکندگی نرخ بیکاری زنان برحسب استان‌ها در پایان برنامه تا حد زیادی کم می‌شود. به عبارت دیگر استان‌هایی که دارای نرخ بالاتر بیکاری بوده‌اند، از نرخ آنها کاسته و در عوض استان‌هایی که دارای نرخ پایین بیکاری زنان بوده‌اند، احتمالاً به دلیل ورود نیروهای جدید به بازار کار دارای نرخ بیکاری بالاتری نسبت به ابتدای برنامه شده‌اند.

۵- تأمین اجتماعی

متوسط نسبت بیمه‌شدگان زن به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور در استان‌ها طی سال‌های برنامه رشد مشخص و چشمگیری داشته است، اما این افزایش واجد این ویژگی هم است که در استان‌هایی که شاخص مذکور کمتر بوده، رشد بیشتری را در مقایسه با استان‌های دیگر تجربه کرده‌اند و ضریب پراکندگی این شاخص نیز کم شده است.

شاخص نسبت تعداد بیمه‌شدگان زن به مرد نیز طی سال‌های برنامه از ۷/۶۸ درصد به ۹/۴۷ درصد رسیده و تغییر چشمگیری را نشان می‌دهد که نکته مهم آن کاهش تفاوت در استان‌های مختلف است.

تحول میانگین و پراکندگی شاخص‌های مورد مطالعه

CV	میانگین*					
۹/۳	۰/۷۱۱	۱۳۷۵	HDI	۱- شاخص‌های توسعه انسانی		
۱۱/۰	۰/۵۳۶		GDI			
۳/۹	۰/۷۱۹	۱۳۸۳	HDI			
۵/۷	۰/۶۸۶	۱۳۷۵	امید به			شاخص‌های HDI
۳/۹	۰/۷۱۳	۱۳۸۳	زندگی			
۹/۰	۰/۷۱۲	۱۳۷۵	آموزشی			
۳/۰	۰/۸۴۱	۱۳۸۳				
۱۶/۲	۰/۷۳۶	۱۳۷۵	درآمدی			
۶/۴	۰/۶۰۲	۱۳۸۳				
۳/۷	۶۷/۱۱	۱۳۷۵	امید به زندگی زنان			۲- شاخص‌های سلامت و بهداشت
۲/۶	۶۸/۰۹	۱۳۸۱				
۰/۷۶	۱/۰۲۸۸	۱۳۷۵	نسبت امید به زندگی			
۰/۶۹	۱/۰۲۲۷	۱۳۸۱	زنان به مردان			
۵۶/۱	۴۱/۵	۱۳۷۵	مرگ و میر مادران			
۹/۸۷	۵/۰۵	۱۳۷۵	متوسط افراد خانوار			
۱۰/۲۳	۴/۱۹	۱۳۸۵				

ادامه جدول

CV	میانگین*			
۱۵/۸	۶۱/۳۵	۱۳۷۵	باسوادى زنان	
۷/۲	۷۸/۵۹	۱۳۸۳		
۱۰/۲	۱/۲۷	۱۳۷۵	باسوادى مردان به زنان	
۴/۵	۱/۱۲	۱۳۸۳		
۱۲/۹	۷۵/۵	۱۳۷۸-۱۳۷۹	پسر	تعداد دانش‌آموزان ابتدایی (هزار نفر)
۱۱/۷	۶۸/۴		دختر	
۱۸/۳	۴۸/۷	۱۳۸۳-۱۳۸۴	پسر	
۱۷/۲	۴۵/۴		دختر	
۳/۹	۹۰/۸	۱۳۷۸-۱۳۷۹	نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر	
۲/۰	۹۳/۳	۱۳۸۳-۱۳۸۴		
۱۰/۷	۴۸/۵	۱۳۷۸-۱۳۷۹	پسر	تعداد دانش‌آموزان راهنمایی
۱۴/۰	۳۹/۳		دختر	
۱۵/۲	۳۶/۳	۱۳۸۳-۱۳۸۴	پسر	
۱۵/۸	۳۱/۱		دختر	
۱۸/۸	۳۷/۲	۱۳۷۸-۱۳۷۹	پسر	تعداد دانش‌آموزان
۲۰/۰	۳۳/۰		دختر	
۱۸/۰	۲۹/۴	۱۳۸۳-۱۳۸۴	پسر	متوسطه
۱۸/۹	۲۷/۵		دختر	
۳۵/۹	۱/۲۸	۱۳۷۸	زن	پذیرفته‌شدگان کنکور
۳۰/۴	۱/۰۲		مرد	
۳۱/۶	۲/۲۸	۱۳۸۳	زن	
۳۰/۷	۱/۵۰		مرد	
۲۷/۶	۲/۶۱	۱۳۸۴	زن	
۲۹/۵	۱/۶۶		مرد	
۲۶/۲	۱۲۸/۵	۱۳۷۸	پذیرفته‌شدگان زن به مرد	
۲۱/۵	۱۵۵/۲	۱۳۸۳		
۱۹/۷	۱۶۱/۴	۱۳۸۴		

۳- شاخص‌های آموزشی

ادامه جدول

CV	میانگین*			
۳۹/۸	۱۸/۳	۱۳۷۸	نسبت فعالیت زنان به	۴- اشتغال
۴۴/۹	۱۸/۴	۱۳۸۳	مردان	
۷۴/۰	۱۳۰/۸	۱۳۷۸	نسبت بیکاری زنان به	
۴۲/۵	۱۸۹/۵	۱۳۸۳	مردان	
۳۱/۴	۷/۶۸	۱۳۷۸	نسبت بیمه‌شدگان زن	۵- تأمین اجتماعی
۵/۸	۹/۴۷	۱۳۸۳	به مرد	

* میانگین در جدول فوق مساوی میانگین کل کشور نیست. در میانگین کل کشور وزن هر استان در محاسبه میانگین کلی منظور می‌شود. اما در این جداول میانگین حسابی برحسب هر استان به عنوان یک case منظور شده‌اند و صرفاً برای اندازه‌گیری CV قابل استفاده است.

نتیجه‌گیری

۱- جنسیت در برنامه‌های توسعه

در برنامه اول توسعه به طور مستقیم به مسأله جنسیت و شکاف‌های جنسیتی پرداخته شده است. دستاوردهایی هم در پایان برنامه به دست آمده است. در برنامه به طور مستقیم به مسأله زنان پرداخته شده است، اما در فضای کلی برنامه نوعی نگاه بدبینانه به موضوع زنان و جنسیت وجود داشته است. شروع برنامه سوم مصادف با پرداختن جدی به مسأله زنان و لزوم رفع شکاف‌های جنسیتی است. از این رو در موارد مختلف برنامه به این مسأله اشاره شده است. در برنامه چهارم نیز روال برنامه سوم اندکی گسترده‌تر پیگیری شده و ماده ۱۱۱ آن اختصاصاً به موضوع زنان اشاره دارد. در مجموع مشاهده می‌شود که با گذشت زمان از برنامه اول به چهارم حساسیت برنامه‌ریزان به مسأله جنسیت و زنان بیشتر شده و به موازات تدوین و تصویب مواد قانونی، نهادها و تشکیلات و برنامه‌های متناظر برای تحقق این هدف هم به وجود آمده است.

۲- نتایج ملی

شاخص توسعه انسانی (HDI) ایران در طول برنامه افزایش یافته است اما همزمان شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل یافته برحسب جنسیت (GDI) و شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت (GEM) بویژه مورد اخیر بهبودی قابل توجهی یافته‌اند. مهم‌ترین شاخص سلامتی امید به زندگی در طول برنامه سوم بهبود یافته و این بهبودی به نفع زنان است اما در هر حال امید به زندگی مطابق اهداف تعیین شده در برنامه پنجساله سوم نیست. زاد و ولد و مرگ و میر نیز تا حدی مطابق با پیش‌بینی‌ها بوده است.

در حوزه آموزش سطح باسوادی زنان در طول برنامه به نحو ملموسی سالانه به اندازه یک درصد بیشتر شده است. مشابه این تحول در کلیه سطوح آموزش عمومی از ابتدایی تا

پیش‌دانشگاهی و نیز آموزش عالی مشهود است. به طور کلی به طور متوسط حدود ۹۵ درصد اهداف از پیش تعیین شده برنامه سوم محقق شده است.

اما شکاف جنسیتی در زمینه اشتغال در طول برنامه سوم عموماً تشدید شده است این شکاف در حدی است که اگر در ابتدای برنامه، زنان و مردان نرخ‌های بیکاری مشابهی داشته‌اند در پایان برنامه نرخ بیکاری زنان حدود ۲ برابر مردان شده است. مشکل اصلی در ساختار شغلی ایران، فراهم نبودن زمینه برای ورود زنانی است که آماده‌اند برای بار اول وارد بازار کار شوند. در این زمینه نرخ بیکاری زنان در پایان برنامه پنج برابر مردان بوده است.

اما علی‌رغم تبعیض‌آمیز شدن ساختار شغلی علیه زنان به لحاظ تأمین اجتماعی در طول برنامه وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند. به طوری که زنان تحت پوشش تأمین اجتماعی از ۷/۷ درصد ابتدای برنامه به ۸/۸ در سال پایانی برنامه رسیده‌اند.

۳- مقایسه با کشورهای دیگر

به لحاظ شاخص تعدیل شده توسعه انسانی برحسب جنسیت (GDI) طی برنامه پنج‌ساله سوم وضع ایران تا حدی نسبت به کشورهای منطقه بهبود یافته است. در زمینه شاخص توانمندسازی برحسب جنسیت (GEM) نیز فاصله ایران با کشورهای در حال توسعه و بخشی از کشورهای در حال توسعه زیاد است.

مهم‌ترین شاخص سلامت یعنی امید به زندگی برای زنان ایران مناسب نیست و حتی از کشورهای پایین‌تر از توسعه انسانی از ایران هستند، (سوریه و مصر) پایین‌تر است. شاخص‌های دیگر سلامت چون مرگ و میر کودکان نیز در مقایسه با دیگر کشورها تغییر ملموسی در طول برنامه نداشته است، اما مهم‌ترین تحول در ایران در مقایسه با سایر کشورها کاهش باروری است.

شاخص آموزشی زنان در سطوح پایین بویژه بی‌سوادی، در مقایسه با اروپا، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی در وضع مطلوبی نیست، اما با افزایش سطوح تحصیلی وضعیت

زنان در ایران بهبود می‌یابد و حتی شکاف کمتر می‌شود. هم‌چنین شکاف تحصیلی در مقطع آموزش عالی در ایران با سرعت بیشتری در مقایسه با اکثر کشورها تغییر کرده است. نرخ بیکاری زنان در ایران همچون اکثر کشورها بیش از مردان است. در زمینه تأمین اجتماعی آمار معتبر و قابل مقایسه کمتر در دسترس است. مهم‌ترین آنها شکاف درآمدی است که وضعیت ایران در مرز کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است.

۴- مقایسه استانی

تفاوت استان‌ها از حیث شاخص توسعه انسانی در طول برنامه کمتر اما از حیث شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بیشتر شده است. امید به زندگی در طول برنامه بهبود یافته و از پراکندگی بین استان‌ها کمتر شده است. از بعد خانوار طی ده سال (۱۳۸۵-۱۳۷۵) یک نفر کاسته شده است. اکثر شاخص‌های آموزشی برحسب جنسیت در استان‌ها نه تنها بهبود یافته بلکه شکاف‌های استانی نیز کاهش یافته است. در زمینه فعالیت زنان و نیز نسبت فعالیت زنان به مردان تغییری در طول برنامه نمی‌بینیم، همچنان که تفاوت‌های استانی نیز در طول برنامه تغییر چندانی نکرده است. متوسط تعداد بیمه‌شدگان زن به عنوان شاخص تأمین اجتماعی در طول برنامه سوم بهبود یافته ضمن اینکه پراکندگی بین استان‌ها کم شده است.

منابع

کتابها

- آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸، معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت، دفتر آمار، برنامه‌ریزی و بودجه، تهران، خرداد ۱۳۷۹.
- آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳، معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت، دفتر آمار، برنامه‌ریزی و بودجه، تهران، خرداد ۱۳۸۴.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، جدول‌ها و گزیده‌ای از متن، [ترجمه شده در] مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۴.
- توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، دبیر مجموعه، صدیقه شکوری‌راد، ویراستاران، صدیقه شکوری‌راد، محمدعلی کریمی. - تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی؛ دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۰.
- جلالی، سعید، قانون برنامه سوم در نظم حقوقی کنونی: مشتمل بر قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه‌های اجرایی، قوانین مربوط و مصوبات شورای عالی اداری. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۰.
- سازمان برنامه و بودجه، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸، سازمان برنامه و بودجه [با همکاری] سازمان ملل متحد. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۹، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۸۱، (دو جلد).

- سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه: برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۹، پیوست شماره ۳ لایحه برنامه. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۸، دو جلد.
- سازمان برنامه و بودجه، سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: پیوست شماره یک لایحه برنامه سوم. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸-۱۳۷۴، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۷.
- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با اعمال آخرین اصلاحات. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۲.
- سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۹. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۷، جلد سوم. روند گذشته، جاری و آینده نگری ۱۰ ساله جمعیت ایران (۱۳۸۵-۱۳۷۵).
- سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۹. - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان، مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۵، جلد اول و جلد دوم.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۱ و نظارت بر عملکرد سه‌ساله اول برنامه سوم توسعه. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۲، (سه جلد).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ و نظارت بر عملکرد چهار سال اول برنامه سوم توسعه. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری و مالی، دفتر انتشارات علمی و مدارک تخصصی، ۱۳۸۳، (دو جلد).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج‌ساله برنامه سوم توسعه. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۴، (سه جلد).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی و نظارت بر عملکرد سال دوم برنامه توسعه، سال ۱۳۸۰. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۱، (دو جلد).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش نظارت سال اول اجرای برنامه سوم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۰.
- سن، آمارتیا کومار، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر. - تهران: کویر، ۱۳۸۱.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ضمایم آن (از سایت‌های حقوقی).
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ضمایم آن (از سایت‌های حقوقی).
- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراستار علی پایا. - تهران: طرح نو، ۱۳۸۰، سه جلد.
- کلهر، سمیرا، مقایسه کارکرد تحصیلی دانشجویان سهمیه مناطق در کنکور سراسری (آزمون تئوری دفاع از سهمیه‌بندی مناطق)، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۴.

- مرکز آمار ایران، شاخص‌های کلیدی نیروی کار در ایران، ۱۳۸۰-۱۳۵۵. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳.
- مرکز آمار ایران، مرگ و میر کودکان در ایران: روندها و شاخص‌ها ۱۴۰۰-۱۳۳۵. تهران: مرکز آمار ایران، مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۲.
- وزارت علوم، کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۷۸، روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور. تهران: سازمان سنجش، ۱۳۷۹.
- وزارت علوم، کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۳، روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور. تهران: سازمان سنجش، ۱۳۸۳.
- وزارت علوم، کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۴، روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور. تهران: سازمان سنجش، ۱۳۸۴.
- وزارت کار و امور اجتماعی، سالنامه آماری نیروی انسانی سال ۱۳۸۴، معاونت برنامه‌ریزی منابع انسانی و سیاست‌گذاری اشتغال. تهران: ۱۳۸۵.

سایت‌ها

- www.sci.org.ir سایت مرکز آمار ایران:
- www.mporg.ir سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی:
- www.irimlsa.ir سایت وزارت کار و امور اجتماعی:
- www.worldbank.com سایت بانک جهانی:
- www.unesco.org سایت یونسکو:
- www.ilo.org سایت سازمان بین‌المللی کار:
- www.undp.org سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد